وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره دوازدهم دوشنبه ۷ دلو ۱۳۸۱ - ۲۶ ذوالقعده الحرام ۱۴۲۳ - 27 January 2003

رئیس عمومی مبارزه با جرایم جنائی:

میزان جرایم درشهر کابل کاهش یافته است

مردم:

بد امنی وجرم وجنایت درشهر روبه افزایش است

کابل شهر کوچک و پرنفوسی است که بیشترین قسمت آن طی سالهای اخیر از اثرجنگهای ویرانگر به ویرانهٔ مبدل شده است. گسترش جنگ و استیلای طالبان موجب شد که ده ها هزار باشندهٔ این شهر دردمند، ترک وطن کند و به کشورهای دیگر آواره و سرگردان شوند.

با فروپاشی نظام طالبان و تروریزم در افغانستان، روزنه امید به روی مردم کشوده شد و در کمترین مدت سیل باشندگان مشتاق پایتخت ازخارج و داخل به آن سرازیر شد. کابل اینک به شهر دو ملیونی تبدیل شده است، مشکل مسکن و سرپناه از مشکلات عدیدهٔ مردم است ـ ولی مهم ترین مشکل برای باشندگان پایتخت در شرایط حاضر مسأله "امنیت و مصؤنیت" است، زیرا مردم باور دارند که فقط در سایه امنیت و مصؤنیت است که می توانند در شهر به کار و اشتغال بپردازند و به آبادی ویرانه های شهر آغاز کنند.


تورن جنرال صبغت الله سایق

مسأله تأمین امنیت در شهر کابل کار ساده و آسانی نیست زیرا هنوز پولیس مجرب و آگاه و تعلیم یافته نداریم و هنوز در برابر نیروهای امنیتی صدها پرابلم و مشکل وجود دارد که بی حل و فصل شدن آن نمی توان برای شهروندان کابل امنیت لازم را تأمین کرد.

ماه هاست که وقوع حوادث دلخراش و تکاندهنده شهریان کابل را آزرده است، قتل، سرقت و انفجارات از جمله حوادثی اند که شهر کابل ان را در طی ماه های اخیر به مراتب تجربه کرده است، با آنهم مسوولان امنیتی شهر پیوسته در تلاش اند تا جلو هر گونه ص۷


مهاجران بازگشته به وطن در چنگال بی سرپناهی و سردی زمستان

وزیر عدلیه به لوی څارنوالی احضار می گردد

یک مقام بلند پایه ستره محکمه دولت انتقالی اسلامی افغانستان گفت: عبد الرحیم کریمی وزیر عدلیه جهت توضیح وارائه پاسخ در باره مطالبی که برخی از جراید و مجلات اخیراً از قول ایشان نشر کرده است به لوی څارنوالی احضار می شوند. و ی افزود:

این کار براساس حکمی از سوی ستره محکمه صورت می پذیرد که به تازگی در این مورد صادر شده است.

قابل یادآوری است که وزیر عدلیه در مصاحبه یی گفته بودقانون اساس آینده افغانستان باید تنها در ۲۰ در صد به شریعت اسلامی اتکا داشته باشد. این اظهارات وزیر عدلیه موجب نگرانی طیف و سیعی از جامعه ومقامات مسوول دولت از جمله ستره محکمه ولوی څارنوالی گردیده است.

قرار یک اطلاع دیگر اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی نیز در بارهٔ این اظهارات جناب وزیر عدلیه اظهار نا خرسندی کرده و آن را خارج از حیطهٔ صلاحیتش دانسته اند.

از نامه های آمده

لانجي باید دقانون په رڼا کي اواري شي

دمجاهد جریدي محترمي اداري ته!
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

هیله لرو چي زمونږ لیك خپور کړي.

داسلامي دولت په تیر حاکمیت کي دمکروریانونو په ۱۳۰ بلاك کې مونږ ته اپارتمانونه راکړل شوي وو چي له ټولو قانوني مراحلو وروسته مو شرعي قبالي هم تر لاسه کړي. چي د طالبانو وحشي نظام واکي تر لاسه کړي او مونږ کډه بار چي مهاجر اودمقاومت سنګرونو ته مو ودانګل او بیا چي مجاهدینو ددویم ځل له پاره کابل فتح کړ، بیا کابل ته راغلو.

په دي ورځو کې کوم کمیسیون چي دغصب شویو املاکو په باب جوړشوي دي زمونږ داپارتمانونو په باب یي یوجانبه فیصله کړي چي له انصاف و حقیقت څخه لري ده.

حال دا چي دا اپارتمانونه مونږ ته د یو قانوني حکومت له خوا چي په هغه وخت کې یي قانوني حیثیت درلود راکړ شوي دي متاسفانه په ځینو ځایونو کې تل. دهغو خلکو خبره اوریدل کیږي چي دهر رژیم سره ځني اچوي، خو مونږ چي قانوني اسناد په لاس کې لرو څوك مو خبره نه اوري. آیا دمجاهدینو حکومت غیر ذیصلاح او غیرقانوني دي او یا دداکتر نجیب حکومت؟ مونږ ددولت ټولو مسوولینوته خپل عرض وړاندي کوو چي دا ډول پریکړي پرته له دي چي لانجي را پورته کړي نوره نتیجه نه ورکوي او ددغو ټولو ستونزومسوولیت به دهغو کسانوپه غاړه وي چي دحق دخاوندانو په هکله یو اړخیزي پریکړي کوي، مونږ غواړو دا لانجه دقانون په رڼا کې اواره شي.

د ۲۵ اپارتمان اوسیدونکي
بهرام، مسلم یار، سید ګلاب او معلم مومن

افغانستان و سیاست...

ما در این عصر "دهکده شدن جهان" و عصر ماهواره و انترنیت، عصر انقلاب معلومات زندگی می کنیم نه شایسته است و نه ممکن که همهٔ دروازه ها را ببندیم و در لاکهای خویشتن به دور از خوب و خراب دیگران بزییم، بلکه بایسته و ممکن است که از شایستگی ها و تجارب بلند دیگران سود بریم و در منجلاب ناشایستگی ها و تجارب تلخ آنان غرق نگردیم یعنی باید سیاست دروازه های باز را در همه عرصه های زندگی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... بر گزینیم اما دروازه ها را کاملاً دوپهلو باز نگشاییم که همه کس و همه چیز را بدون تمییز و شناخت و بدون تبیین سود و زیان وارد کنیم، کاری که بسیاری از جوامع در تعامل میان خود انجام می دهند. به یقین این کار چندان آسان هم نیست اما راهی است که ناگزیر آن را برای اعتلای کشور و سرافرازی مردم باید در نوردید.

به گونهٔ مثال دولت از راه موسسات ویژهٔ خود می تواند شیوه های استفادهٔ سودمند از ماهواره های تلویزیونی و جلوگیری یا کاستن از ناگواری های اخلاقی و فرهنگی آن را مورد مطالعه قرار دهد؛ مثلاً وزارت های اطلاعات و فرهنگ وارشاد و اوقاف و ستره محکمه و برخی از فاکولته های پوهنتون کابل با طرح های کار شناسانه به پاسخ این نیازمندی بپردازند.

منع برنامه های کیبلی ...

"بنیاد گرایی"، "اجرای قوانین سخت گیرانه طالبان"، "محرومیت دختران از مدرسه و تعلیم"، "نتیجه مبارزه برسر قدرت"، "تحمیل عقاید خود به دیگران"، "قدرت طلبی" و جملات و واژه هایی مانند آن به صورت جانبدارانه به این حکم ستره محکمه اعتراض نموده و گزارش سراپا غرض آلودی را به نشر رساند.

باوری راسخ وجود دارد که در صورت عدم رعایت موازین بی طرفی ونشر مطالب یک دست و یک سویه رادیوی آزادی روز تا روز اعتبار خود را به عنوان یک رسانهٔ خبری بی طرف از دست خواهد داد. توجه کنیم به دلایل و نظر یاتی که فضل هادی شینواری در پاسخ به معترضین ابراز می دارند:

"من مسلمانم و با صراحت بیان می کنم. حرام را حرام می گویم و حلال را حلال. من نمی خواهم مانند طالبان قوانین سخت گیرانه اعمال کنم. در نشرات کیبلی بعضی برنامه ها با ارزشها واساسات قوانین اسلامی مطابقت ندارد. بنابران ما می گوییم، نشر تصویرهای برهنه، خواه مردانه، خواه زنانه، فحشاء است.

واین کار به اساس دستور قران کریم ناروا می باشد به این مسایل ناروا، من بد می گویم و آنرا رد می کنم.

حالا شما اختیار دارید که بر من چه اسمی می گذارید افغان خطابم می کنید یا می گویید؛ طالب است.

من می گویم: اگر به اساس تعبیر های شخص کسی در افغانستان دستورات قران پیاده شود، برای این کشور مشکلات ایجاد خواهد شد."

حالا ما با این یک طرز تفکر یا موافق خواهیم بود یا مخالف. در هردوی این صورت، مسوولین گردانندگان یک رادیوی به اصطلاح آزادوبی طرف نباید با ذرایع و وسایل مختلف، خواه نشر مصاحبه، خواه نشر یک دیدگاه در برابر آن موضع گیری کند.

بهترین طرز ارایه برنامه ها دراین مورد، تدویر بحث های ازاد است تا مخالفین و موافقین هردو بتوانند آزادانه سخن بگویند.

به باور ما رادیو ی آزادی این اصل را رعایت نمی کند.

منابع مالی برای بازسازی افغانستان کافی نیست

بنا بر گزارش رادیو بی . بی . سی کمیته توسعهٔ بین المللی مجلس عوام بریتانیا سندی را زیر عنوان" افغانستان، گذار از فعالیت های بشردوستانه و کمک برای بازسازی و توسعه"منتشر کرده است.

این گزارش عدم موجودیت امنیت در افغانستان را سبب عمدهٔ نا موفق بودن فعالیت ها برای امداد بشری دانسته و همچنان نبود امنیت در سراسر افغانستان را یکی از موانع مهم در امر بازسازی افغانستان به حساب آورده، در گزارش که توسط عده یی از اعضای پارلمان بریتانیا تهیه شده همچنان به عدم کفایت منابع مالی برای افغانستان که در توکیو اعلام شده نیز اعتراف صریح صورت گرفته است. آنچه در ذیل ملاحظه می نمایید تبصره خبرنگار جریده مجاهد است که بر مبنای گزارش منتشره در بی .بی .سی نگاشته است:

کمک های وعده شده چار اعشاریه پنج ملیارد دلار به افغانستان که در کنفرانس توکیو وعده داده شده بود، برای مقابله با فقر و محرومیت و سیع اقتصادی که در افغانستان وجود دارد به هیچ صورت کافی نیست. مطابق گزارش رسانه های خبری مقدار تقاضای بانک جهانی و بانک انکشافی آسیایی و محافل اقتصادی و کارشناسان افغان،مبلغ مورد ضرورت حدود ده ملیارد دلار بود تا افغانستان بتواند بر مشکلات ص٦

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

افغانستان و سیاست در های باز و بسته

افغانستان در طی بیشتر از هشت دهه چند بار است که "سیاست در های بازو بسته" را تجربه می کند. ولی متأسفانه این تجربه هیچ گاهی با دید ژرف و شناخت واقعی و راستین در بارهٔ افغانستان و مسائل بسته به آن همراه نبوده است بلکه در هر بار به دلیل سطحی نگری و ناشیانه اندیشی به جای سعادت و خوشبختی زمینه های سقوط و سکوت را فراهم آورده است. گویا همواره نیکویی حد میانه کارها به سخن پیامبر مان وفضیلت میانهء دو رذیلت افراط و تفریط به قول ارسطو در ذهن گردانندگان جامعه ما ناپدید بوده است.

در واپسین سالهای قرن سیزدهم هجری خورشیدی و آغاز قرن چهاردهم آن شاه امان الله با شعار مدرنیته کردن افغانستان بر اریکه قدرت تکیه زد، او به جای آن که علل و عوامل راستین عقب ماندگی را در جامعهٔ خویشتن در یابد و رمز و راز توسعه و تمدن مغرب را باز شناسد دل به ظواهر بی بهای زندگی با ختریان بست و به باطل گمان برد که این همه دانش و تکنولوژی نوین نه فرایند دگرگونی در اندیشه وهمه گیر شدن منطق تجربی و استقرایی و کنار زدن شیوهٔ نگرش کلی گرای ارسطویی در عرصهء دانش و پژوهش است که ریشه در ریش های تراشیده و کراوات های به گریبان بسته و شاپوهای به سرنهاده و خانم های شلوار در آورده دارد؛ لا جرم او برای آن که افغانستان را به کاروان تمدن و فرهنگ مغرب زمین برساند فرمان داد که ریش بتراشند و کراوات ببندند و شاپو به سر نهند و خانم ها را بی روی سری و شلواربدر آورند !!

در نتیجه نه تنها تمدنی نیامد که برای سالیان دراز سخن درست گفتن از تمدن هم در هاله یی از شک و تردید قرار گرفت.

در جهت نقیض این گرایش و درواکنش با ان، گروه طالبان و اندیشهٔ طالبانی نضج گرفت، آنان نه تنها با ظواهر و نماد های تمدن معاصر در زندگی به دشمنی پر داختند که با جان مایهٔ آن، شیوه های پژوهش و کاوش و موسسات و ابراز های حقیقی آن نظیر استاد و لابراتوار ودانشگاه دشمنی و رزیدند.

اکنون که با فروپاشی برج و باروی سیاه آنان بابی تازه در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم درد آلود ما گشوده شده است، برخی با تکرار تجربهء امان الله خانی و ارائه قرائت نا شیانه ازتمدن و پیشرفتگی می خواهند باز بحرانی تازه ایجاد کنند واین دروازهٔ نیم گشاده را ببندند. تلقی اینان از آزادی مطبوعات و بیان، نمایش فیلم های هرزه جنسی و بیهودگی، و از دموکراسی و حقوق بشر بر پایی سالن های رقص و میگساری و ترویج برهنگی است، در حالی که آزادی مطبوعات وبیان، و دموکراسی و حقوق بشر به عنوان جانمایهٔ زندگی در پی مبارزات سالیان دراز و قربانی های کلان انسانهای آزاده یی به بشریت عطا شده است، واین ارزشها نه تنها وسیله یی برای اهانت به کرامت انسانی نیست بلکه ابرازی در جهت حفظ و پاسداری از آن به میان آمده است.

کشور ما با کوله باری از فقر و عقبماندگی و ده ها درد ناشی از آنها نیاز مند آن است که با بهره وری از فرآورده های سالم تمدن و فرهنگ جهانی در جهت رشد و بالندگی داشته های خویش گام بردارد واز پرسه زدن در پیرامون هرزگی های آن اجتناب ورزد.

البته زیانبار بودن این گونه تلقی جنسی و هرزه از فرهنگ وتمدن معاصر نیازی به استدلال ندارد، ولی برخی آن را از عارضه های جدایی نا پذیر این تمدن می دانند، در حالی که بسیاری از آگاهان و درد مندان باختر از سالیانی پیش آژیر خطر نواخته و انحطاط و لگام گسیختگی اخلاقی را عامل اساسی فروریختن کاخ بلندتمدن خود خوانده اند، چیزی که در طول تاریخ عامل اساسی فروپاشیدن تمدن های انسانی شده است، از تمدن های یونان وروم باستان تا امروز.

ما باید برای ایجاد و دگرگونی های ژرف در اندیشه وفرهنگ که پایهٔ توسعه را می سازد از تجربه های بلند انسانی باختر در زمینه های متدپژوهش در عرصه های علوم ثابته و معارف بشری و جامعه وسیاست سودبریم، بی آن که در کنار زدن پهلوی لگام گسیختگی اخلاقی آن تردیدی به خویشتن راه دهیم؛ راستی مردم ما به فرض این که همهٔ زنان و مردان آنان در سالن های رقص ونمایش اسافل اعضا وتماشای فیلم های جنسی و هرزگی حضور یابند و خویشتن را به سان بازی گران آنها در اورند، متمدن و پیشرفته شده اند؟!

مابه این باوریم که خوبی ها را باید بگیریم از هر جای و هرکسی که باشد واز بدی ها اجتناب ورزیم از هرجای و هرکسی که آید.

ص۸

از فرنگ برگشتگان و مشکلات جامعه افغانستان

ابوبکر سبزواری

اندر مزایای بی- ۵۲ یکی دیگر این که این وسیله نقلیه راه یک طرفهء افغانستان به دیار غرب را دو طرفه ساخت. به این معنی که اگر تا قبل از سرنگونی طالبان بسیاری به هر قیمت ممکن حتی به قیمت جان خویش سعی در فرار به جانب غرب داشتند، با سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان شرایطی به وجود آمد که پناهندگان افغان مقیم فرنگستان علاقمند بازگشت به کشور شدند.

عده یی برگشتند تا ما یملک غیر منقول بجا مانده از بیست و چند سال قبل را به نقدینه منقول مبدل سازند و به خارج منتقل کنند، جمعی به خاطر منصب و مقام آمدند و بسیاری هم به خاطر هر دو هدف. کسانی هم دیرتر آمدند و شاید انگیزه سفر آنان طعنهء خانمای محترم بود که "فلان کپی کش و شاگرد مستری و پادو هتل به وزارت رسید، ترا چه شده که از دیگران عقب مانده یی"؟!

جای مشخص کردن استثنا در این جا خالی است زیرا سخن به اطلاق نباید گفت و حکم مطلق کردن در حد این قلم نیست. نباید همه از فرنگ بازآمده گان را از یک قماش به شمار آورد. ما عده یی از اهل فضل و دانش و تخصص را هم داریم که از غرب به امید خدمت به وطن و مردم باز گشته اند. آنها با عق دید و بینش روشن مشکلات جامعهء افغانی را مورد دقت و توجه قرار می دهند و آسیب های ناشی از فرهنگ های وارداتی که جامعهء ما در طول ده ها سال گذشته با آن مواجه بوده از نظر آنان به دور نیست.

آنان دقیقاً می دانند که دیموکراسی در غرب حاصل قرن ها تجربه وطی فراز و نشیب هایی است که نه تنها افغانستان بلکه برخی از جوامع نسبتاً پیشرفته تر شرقی نیز با آن بیگانه اند. **تحمیل بسیاری از ارزش های نظام حاکم بر غرب در جوامع شرقی جز ایجاد مشکلات و حتی مصیبت حاصلی نداشته است.** هر جامعه از خود خصوصیاتی متفاوت با جوامع دیگر دارد.

اما قماش دیگری یعنی سطحی اندیشان از فرنگ برگشته چون در غرب نیز دست و پا به روی آب می زدند و شنا در سطح داشتند هر گز نتوانستند عمق آن عرصه را حس کنند. آنان از دیموکراسی و آزادی زن فقط بی بندوباری و عریانی و فحشای دیار غرب را دیدند و از آن تاثیر پذیرفتند. چون گام به افغانستان نهادند، نبود آن عوامل را نشان از عقب ماندگی و دوری از جامعهء مدنی به شمار آوردند. به مثال های در این خصوص توجه کنید:

در لویه جرگه خانمی از فرنگ آمده بساطی غیر عادی جلوی نمایندگان مردم پکتیا پهن کرده بود. تعدادی عکس نیمه برهنه از (ممی جان) مرحوم خود را به آنان نشان می داد و می گفت که بیست و چند سال قبل ممی جان خدا بیامرز من عضو کابینه بود، مینی ژوپ می پوشید و هیچگاه چادر به سر نمی کرد.

فرمایش خانم به نمایندگان این بود که اگر مصیبت های بیست و چند سال گذشته نمی بود امروز زنان شما در پکتیا هم در طول این مدت به همین حد پیشرفت می کردند و از حقوق خود بر خوردار می شدند!

نمایندگان با خشم و غضب به خانم خیره شدند و شاید از خود می پرسند که آیا امریکا به این دلیل طالبان را معزول نمود تا باردیگر فرهنگ منحط ممی جان این خانم را بر افغانستان حاکم بسازد؟ مگر همین از خود بیگانگی و رواج فرهنگ های وارداتی نبود که زمینه ساز ظهور کمونیزم و تباهی افغانستان گردید؟

آتش یک بلوی در حال اشتعال بود که خانم دیگری پا در میانی نمود و با این بهانه که "خانم مریضی عصبی داره و حرف هایش ناشی از عدم تعادل روانی است" غایله راخاموش کرد. ص ۵

هیواد وال سرغړونه او ورانکاري نه غواړي

ش-زیارمل

موږ که دموقتي او انتقالي اداري په تیر څه دپاسه یو کال کې دخپل ملي ژوندانه دبیارغاوني په بهیر کې په ټولو سیاسي، فرهنګي او اقتصادي برخو کې دخینو بریاؤ او خیرښیګنو شاهدان وو؛ نو ورسره سم مو دهیواد دښمنو، ماجرا غوښتونکو او قدرت طلبو عناصرو مخالفت، ضدیت او ورانکاري هم په خپلو سترګو ولیدلي چې له یوي خوانه دهیواد د ولسواکه څواك دپرمختګ غوښتونکو پروګرامونو او پلانونو په وړاندي دخینو تروریستي عناصرو سره دنامقدس اتحاد مزي تینګوي اوله بلي خوا په یولړ داسي مذبوحانه کړووړو لاس پوري کوي چې دهغو په وجهه غواړي اوسني سیاسي ثبات، دبیلا بیلو ډلو او جهادي تنظیمونو تر منځ یووالي او اتحاد او دهیواد سراسري سوله او امنیت ګډوډ کړي او په اصطلاح او به خړي کړي او کبان په کې ونیسي.

موږ داډ لرو چې دافغانستان خلك اوس د درویشت کلنو جګړو په بتیوکي که سوځیدلي دي خو پاخه شوي هم دي. هغوي خپل دوستان او دښمنان ډیر ښه پیژني، خلکو ولیدل چې چا له اسلام او اسلامیت نه ناوړه استفاده وکړه، ددوي کورونه یي وران کړل، ددوي بچیان یي ووژل، ددوي تور سري یي کونډي او بي پته کړل، ددوي ماشومان یي بي موره او بي پلاره کړل. او چا دبیت المال شتمني ولوټلي، چا دغه بي وسه، مظلومه او کمزوري ملکي خلك په ډله ییزه توګه ووژل او په ډله ییزه توګه یي تر خاورو لاندي کړل. اویایي له خپلو ملکیتونو او کورونو څخه وشړل.

موږ باور لرو چې دټولني خلك، ددوي دظلم قربانیان او ددوي دبي رحمي مقتولین به هیڅکله هم دوي و نه بخښي او دوي ته به بیا دا اجازه ورنه کړي چې ددوي په وینو تجارت وکړي، ددوي په عامه وژونو سره قدرت ته ورسیږي او هیواد یوځل بیا د ترور او وحشت په منګولو کې را ښکیل کړي.

مونږ په وروستیو وختوکې په کندهار، مزار شریف او پکتیا کې د هیواد دښمنو کسانو له خوا دشبنامو خپرول اودګرځنده راډیویي خپرونو خپریدل دخپل ملي یووالي، ملي ګټو او ملي ښیګنو او په پای کې د مرکزي واکمني دپیاوړتیا په وړاندي هغه تبلیغاتي زهر بولوچې زمونږ دنوي ژوند، آبادي، سمسوریتا او عمومي پرمختګ په لاره کې شیندل کیږي.

همدارنګه مونږ په تیره یوه میاشت کې دننګرهار په ولایت کې دڅه دپاسه پنځه سوه توغندیو نیول، دګوشتي ولسوالي د مامه خیلو په کلي کې د اوه میله درندووسلولکه ۸۲ ملي او ۸۵ ملي توپونو، توغندیو او زیاته اندازه دروندو مردکیو کشف اولاس ته راوړل، د جلال آباد په ښارکي دڅلور سوو کیلو ګرامو چاودیدونکو موادو او دبمونو دجوړولو د نورو ضروري موادو کشف او نیول او هم دننګرهار ولایت په غرنیو سیمو کې دایساف دځواکونو له خوا دوسلو دسترو ګودامونو کشف او ړنګول داټول دهغو ورانکارو اویاغي کسانو دړنګوونکو او ګډوډیونه دکوفعالیتونو دپیل بیلګه بولو چې نه غواړي زموږ دخلکو آرامي، سوکالي، پرمختګ او سراسري امنیت او ثبات په خپلو سترګو ووینې او لمس یي کړي.

موږ په دي باور یو وچې دغه راز کسان نور دټولني په منځ کې ځاي نه لري او نه شي کولاي چې په بي موردو شعارونو سره یو ځل بیا خلکوته دوکه ورکړي او سترګوته یي خاوري ورباد کړي.

موږ له دغه راز کسانو څخه هیله کوو چې پخواني غمیزي او ډرامي بیابیا تکرار نه کړي، دخلکو دغولولو توطئي او دسیسي نوري پرېږ دي، دهیواد دنړیوال او ملي بهیر دغوښتني له مخي دملي روغي جوړي پراخي لمن ته راودانګي، څکه دوي خپلي مور دهیواد دخدمت له پاره، دهیواد د آبادي او سمسورتیا له پاره روزلي نه دهیواددوراني او ویجاړي له پاره.

له دوي نه هیله من یوو چې دافغان خلکو په هغو تپونو باندي دمرهمو پټي کیږدي چې ددوي دخپل مینځي جاه طلبیو او خان غوښتنو په وجهه پیدا شویدي. مهرباني وکړي راشي له خپلو ټولو مادي او معنوي امکاناتو څخه ددغه نیستمن او وږي هیواد د جوړولو له پاره کاراخلي، دهیواد پور ادا کړي او دوطن د آبادي په لار کې خپل تاریخي رسالت سرته ورسوي او نور دعامه هیلو او ارزوګانو ودان بازارونه ونه سوزوي او تیري اشتباګاني تکرار نه کړي ترڅو لوي خداي (ج) او دهغه مخلوق له هغوي نه راضي او خوشحاله شي.

نسل مومن ومعتقد دانشگاهی در تحولات سیاسی معاصر افغانستان نقشی عمده داشتند

بخشی از سخنرانی استاذ عالیقدر در محفل چهل وششمین دوره فراغت فارغان فاکولته شرعیات دانشگاه کابل در هوتل ستاره

وقتی انسان از میان می رود مثل گیاهی نیست که کاملاً از میان برود بلکه حساب و کتابی دارد و حیات جاویدانی: (ومن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شراً یره)، پس تفکر در قسمت این که انسان راجع به خود، دنیا و سرنوشت خود و به حیات بعد از مرگ فکر کند، تفکر نخستین ولازمی است بر مسلمان. پس در دینی که پیغام آن علم باشد دینی که پیغامش ووجیبه پیروانش تفکر بوده باشد، دینی که اساس آن مبارزه بر ضد استبداد باشد، آیا چنین دینی عامل عقب ماندگی است یا عامل نجات و پیشرفت انسانیت؟ دین عامل تمدن و پیشرفت در جهان می باشد. این حرفها در تاریخ باشکوه مسلمانان صرفاً یک شعار نبوده است بلکه در تاریخ مسلمانان به عنوان حقایق عملی مطرح بوده است. فکر و فلسفهٔ مغرب زمین که پایهٔ اساسی اش در یونان قدیم به وجود آمده بود احیای عظمت و انتقال آن توسط مسلمانان صورت می گرفت، در تاریخ قرون وسطی می خوانیم که قرون وسطی دوران تحجر و عقب ماندگی فکری و تمدنی بود.

قرون وسطی در جهان غرب دورانی بود که در آن جا خشونت های مختلف تحجر دینی و فکری حاکم بود، کشیش ها وکلیساها باتفتیش عقاید یک سلسله برنامه های غیر مسیحی را به نام مسیحیت به نام دین حضرت عیسی (ع) و نظام های بس ظالمانه یی را حاکم می ساختند که بالاخره انسان های مسیحی خوش عقیده از دین فاصله گرفتند و بدین ترتیب مجبور شدند که فاصله یی در میان دین و دنیا ایجاد بکنند. قرون وسطی برای مغرب زمین قرون تحجر و عقب ماندگی بود. اما برای مسلمانان قرون وسطی قرون تحجر و عقب ماندگی نبود. در قرن ۱۶ تحولی بزرگی در مغرب زمین آمد. در همین دوره ها قبل از این که مغرب زمین به رنسانس آشنا شود، در دنیای اسلام یک مرحله رنسانس وپیشرفت بس بزرگ علمی وجود داشت. یک مورخ اروپایی می نویسد: در تمام شهر لندن جز چند حمام دیگر چیزی وجود نداشت. وقتی در شهر لندن حرکت می کردیم تا شتالنگ پاها ی مان در بین گل ولای فرو می رفت. زمانی که به اصطلاح در این مرکز تمدن اروپا (لندن) مردم درحالت عقب ماندگی به سر می بردند، وقتی به کشور های مسلمان به قرطبه اندلس یا هسپانیای امروز می رفتند می دیدند که تمام جاده ها چراغان است و تمام سرک های شان از سنگ فرش شده و پخته کاری شده است، هزارها حمام عمومی موجود بود و در جایی که هرکس در خانهٔ خود حمامی جداگانه نیز داشت. چنانچه امروز جوانان مابرای تحصیل به کشورهای اروپا یی می روند درآن روزگار مردم از کشورهای اروپایی برای تحصیل به سوی کشور های اسلامی می شتافتند و در پوهنتون های قرطبه یا بغداد شامل تحصیل علوم می شدند. وقتی هارون الرشید به شارلمان امپراطور فرانسه ساعتی را که اختراغ شده بود ارسال کرد بندولش حرکت می کرد آنها گفتند که مسلمانان جن را در آن بند ساخته اند.

شما در باب کیمیاو فزیک و جغرافیه وعلوم ابحار تمام اصولی را که مشاهده می کنید اساس آن توسط علمای مسلمان گذاشته شده است. جابر بن حیان موسس کیمیا است قبل از این که وی کیمیا را اساس گذاری کند کیمیا به شکل یک علم خرافی تبدیل شده بود. ثابت بن قره یکی از دانشمندان مسلمان است که می توان گفت او اساس فزیک را گذاشته است. قبل از این که راجر میکن منطق جدید را اعلام کند علمای اصول فقه اساس منطق تجربوی را به صورت دقیق گذاشته بودند. این ها نمونه هایی است که ما به آن اشاره کردیم.

اما بعد از قرون وسطی بعد از این که رنسانسی وارد دنیای مغرب زمین گردید یک نوع رکود ذهنیو علمی و فرهنگی در جهان اسلام حاکم شد که محصول عوامل مختلفی بود. یا در اثر حملاتی به گونه مثال حمله هلاکو و چنگیز و یاجنگ هایی صورت گرفت و یا به سبب موجودیت تعدادی از خلفای بسیار جاهل و عیاش و فاسدی چون خلفای عباسی که بود هرچند تعداد زیاد شان مانند مامون و امین و هارون خلفای برجسته یی بودند اما تعدادی از خلفای بعدی آنها تنها به تشریفات ظاهری وزندگی درباری توجه جدی کردند اما به مسایل علم وفرهنگ توجه نکردند به همین اساس بود که عقب ماندگی سیاسی در دنیای اسلام یا دوری سیادت از دین باعث دوری علم از دنیای اسلام شد.

زمانی که سیاست مداران دنیای اسلام از دین دور شدند آن وقت بود که عقب ماندگی علمی در جهان اسلام به میان آمد. می خواهم به این نکته اشاره بکنم که بعد از تاسیس فاکولته شرعیات یک تحول فکری در کشور مان به میان آمد نسل جوان ما فهمیدند که دین شان باعث رشد، وتوسعه اقتصادی و پیشرفت سیاسی و رشد علمی است. به همین اساس ما مشاهده می کنیم که یک نسل جوان مشتاق به سوی تدین و به سوی ایمان داری و مبارزات دینی روی آوردند و مبارزات آزادی بخش دینی شروع شد. در سه دههٔ اخیر در کشور تحولات مثبتی در مبارزه بر علیه تهاجم اتحاد شوروی و نجات افغانستان از چنگال تروریزم بین المللی صورت گرفت. مقاومت دلیرانه وحماسهٔ بزرگ تاریخی که در سه دههٔ اخیر صورت گرفت مربوط به همهٔ ملت مسلمان افغانستان است اما بیشتر از همه به نسل مومن و معتقد دانشگاهی و به خصوص مربوط به فاکولته شرعیات است و جوانان فاکولته شرعیات در تحولات سیاسی معاصر افغانستان و در حماسه آفرینی ها نقش عمده یی داشتند و نشان دادند که راستی نسل جوان مسلمان در مقابل هیچ استعمار گر پر قدرت هم تسلیم نمی شوند و نمی خواهند کشور شان پایگاه ترور و تجاوز باشد. وقتی کشور تهاجم قدرت بزرگی چون اتحاد شوروی مورد تجاوزتروریزم قرار گرفت اجازه ندادند که کشور شان پایگاه تروریزم سیاهی باشد و به همین اساس مقاومت دلیرانه یی صورت گرفت. شما وقتی رهبران جهاد و مقاومت را می بینید استادان ویا شاگردان فاکولته شرعیات بودند و یا جوانان و علمایی بودند که به این فاکولته ارتباط داشتند به این اساس تأثیر فاکولته شرعیات در حیات سیاسی ودر حیات ملی و در افتخارات معاصر سیاسی کشور مان آن قدر روشن و چشم گیر است که هیچ کس نمی تواند منکر آن شود و درزمینه فردای بازسازی افغانستان، در تأمین امنیت کشورو درصلح و ثبات کشور باز هم نسل مومن و خدا پرست افغانستان نقش خواهد داشت.

نا گفته نگذاریم کسانی که با ذهن شرعیاتی در انجنیری و در طب و در پولی تخنیک و در ادبیات و در زراعت و در ساینس وسایر فاکولته ها و اکادمی های علمی با این ذهنیت علمی و ملی در افتخارات کشور سهم داشتند که همه آنها به عنوان یک مجموعه باعث تکامل یکدیگر شده اند.

به همین اساس این افتخارات یکی از افتخارات بس عظیمی است که در تاریخ معاصر ما درج شده است و از این بحث یک نتیجه می گیریم که بعد از این هم ما دین و تعالیم دینی را با واقعیت های آن به مردم نشان بدهیم. دین تحجر نیست و دین دشمن تمدن نیست و دین هیچ وقت به جهل و به استبداد اجازه نمی دهد. دین به انارشیزم و بی قانونی اجازه نمی دهد، دین به فساد اخلاقی و به فساد سیاسی و به فساد اجتماعی اجازه نمی دهدودین پیام اصلاح و پیام بازسازی و پیام بازسازی جهانی و پیام وحدت بشری را دارد. پیامی دارد که حدیث پیغمبر (ص)مبین است: "همه بشریت خانواده واحد هستند."(الناس عیال الله) دین اسلام پیام آشتی به ادیان را دارد (یا أهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم) مسلمان با مسیحی و با پیروان یهودی و با پیروان سایر ادیان که متدین هستند و به خداوند و مقدسات عقیده دارند دست به دست می دهد تا در نجات بشریت در تأمین صلح جهانی و در جلو گیری از فساد و انحرافات در مقابله با تشدد و خشونت نقش شان را ادا نمایند.

تمدن هاو فرهنگ ها و پیروان ادیان مختلف در شرق و غرب دست به دست همدیگر بدهند تا جلو خشونت ها و جلو بدبختی ها گرفته شود. در کشور عزیز مان که فعلاً وارد یک مرحله جدیدی از زندگی سیاسی خود شده است ما به این احتیاج داریم که امنیت و ثبات در کشور مان به میان بیاید، قانون مندی حاکم شودو از جهالت و بدبختی وارد یک مرحله پر درخشش ویک مرحله جدیدی ازحیات اجتماعی خود شویم از خداوند (ج) موفقیت عظیمی را برای استادان محترم فاکولته شرعیات که سال ها عمر عزیز شان را در تدریس و رهنمایی شاگردان صرف کرده اند در دنیا و آخرت برای شان پاداش می خواهیم.

آخرین تحولات سیاسی...

رئیس هیأت باز رسان سازمان ملل متحد یافته های خودرا دران روز به شورای امنیت ارائه خواهد داد.

روز بعد انتظار میرود جورج بوش در سخنرانی سالیانه خود مردم امریکا را برای جنگ بر ضد عراق آماده کند. کولن پاول وزیر خارجه امریکا ضمن بررسی بحران عراق گفت: من تصور می کنم صبورانه گزارش را بررسی خواهیم کرد، با دوستان و هم پیمانان خود مان مشورت خواهیم کرد. من مطمین هستم رئیس جمهور با رهبران سایر کشور ها و دوستان مان گفتگو خواهد کرد.

من تصورمی کنم این مشورت ها در زمان نسبتاً جدی انجام می یابد. این مشورت ها گام بعدی را که باید مشخص شود ، بررسی خواهد کرد.

وی در مورد هدف سفر نخست وزیر بریتا نیا به امریکا گفت: تونی بلیر در هفته آینده از امریکا دیدار خواهد کرد. پس ازآن ما خواهیم دید که اقدامات مناسب بعدی چه خواهد بود؟

در ظرف روز های اخیر منتقدان اقدمات جنگ طلبانه که فرانسه، آلمان و روسیه در رأس ان قرار دارند برای پیشگیری از اقدمات یک جانبه ایالات متحده امریکا فشار خودرا به این کشور افزایش داده اند. ایگورایوانف وزیر خارجه روسیه طی صحبتی گفت: بازرسان تسلیحاتی ظرف دو ماه گذشته موفق شده است کار بسیار خوبی در عراق انجام دهد. ما اعتقاد داریم که این کار باید ادامه یابد و جامعه بین المللی باید به تمام شکل های ممکن به بازرسان بین المللی کمک کند.

گزارش های روزنامه ها در هفته گذشته حاکی از آنست که آقای بلیکس رئیس هیأت بازرسان ملل متحد به شورای امنیت خواهد گفت که بازرسانان تا کنون هیچ مدرک محکوم کننده یی علیه عراق نیافته اند.

این تمام نشانه ها حاکی از آن است که آقای بوش حا ضر نخواهد شد که در اقدام مسلحانه علیه عراق مدت زیاد انتظار بکشد. دکتر نایل گار دینری‌کی از تحلیل گران سیاسی امریکا در واشنگتن گفت: من فکر می کنم جلسه جورج بوش رئیس جمهور امریکا با تونی بلیر نخست وزیر بریتا نیا که در ۳۱ جنوری بر گزار می شود اهمیت بیشتر دارد. این جلسه نهایی برای تعیین زمان آغاز جنگ است . احتمال زیاد وجود دارد که دولت آقای بوش در آینده بسیار نزدیک علیه عراق به اقدام نظامی متوسل شود، احتمالاً در نیمه دوم فبروری یا ماه مارچ من فکر می کنم که کاسه صبر امریکا در حال لبریز شدن است.

رهبران کشورهای منطقه طی سفرها و ملاقات هایی نسبت به بحران عراق واکنش ها ونگرانی های شان را ابراز داشته اند.

روز شنبه آقای خاتمی رئیس جمهورایران وارد هند گریده ودر ملاقات با اتل بهاری واچپایی صدر اعظم هند بحران عراق و تاثیرات آن برکشور های منطقه را مورد ارزیابی قرار دادند. آنها به این نکته تأکید داشتند که حمله بر عراق پایان منازعه نخواهد بود.

میر ظفرالدین جمالی نخست وزیر پاکستان در سفر پنج روزه به کشور های خلیج وارد ابوظبی گردید. در ملاقات با وزیر خارجه امارات متحده عربی گفت: برای حل قضیه عراق به مذاکرات صلح آمیز ضرورت است . پاکستان مخالف آوردن فشار بر عراق است.

جورج هاردی تحلیل گر سیاسی بی بی سی سناریوی امریکا در مورد عراق را به بررسی گرفته، می نویسد: مقامات واشنگتن در نظر دادر، که در مرحله اول ارتش امریکا عراق را اشغال نماید. سپس سر بازان امریکایی حفاظت میدان های نفتی را به عهده خواهند گرفت و مداخله احتمالی کشورهای همسایه را متوقف خواهتد کرد وپس از آن یک دولت دیموکراتیک کنترل عراق را در دست خواهد گرفت. این سناریو برای عراق پس از صدام حسین با خطرات بسیاری مواجه خواهد گشت.

اما با وجود درخواست هایی مبنی بر دادن وقت بیشتر برای بازرسانان تسلیحاتی سازمان ملل متحد و به تعویق انداختن جنگ، هنوز تمایل قوی از سوی امریکا برای آغاز جنگ و پایان آن پیش از فصل گرما در منطقه خلیج فارس وجود ندارد

ع- شمس

نفس آیینه

بیدل

عمرها شد عرق از هستی مبهم داریم
چون سحر در نفس آیینه شبنم داریم
قدر دان چمن عافیت خویش نه ایم
چه توان کرد نصیب از گل آدم داریم
یک نفس آیینه انس نپرداخت نفس
فهم کن این همه بهر چه زخود رم داریم
کم وبیش آنچه کسی داشت رهاکردوگذشت
فرض کردیم کزین داشته ما هم داریم
زندگی پرده‌ء سحر است چه باید کردن
عشرت هردو جهان زین دو نفس غم داریم
نگسست از دل ما حسرت ایام وصال
دامنی رفته زدستی است که محکم داریم
با همه ذوق طلب طاقت دیدار کراست
این هوس به که بر آیینه مسلم داریم
غیر تسلیم زما هیچ نمی آید راست
پا وسر چون خط پرکار بیک خم داریم
عذر احباب تلافیگر آزار مباد
گوشش زخم به سامان چه مرهم داریم
با همه ربط وفاق اینچه دل افشاریهاست
سبحه سان پا بسر آبله‌ء هم داریم
شکر هم بیدل از آثار نفاقست اینجا
الفت آنگه گله پیداست حیا کم داریم

وسپیدار خمید

خلیلی

یاد آن روز بخیر
وسحرگاهی بهاری که در آن عشق شگفت
ومه واختر وخورشید همه خندیدند
وخدا هم خندید
وستم هیچ نماند
وقلم یک نفس تازه گرفت
وکتاب ،
با غباری "زدوصد قرن " خدا حافظی گفت
ودگر زمزمهٔ نی ونمان هیچ نبود
ودگر سلطه تیغ
ودگر عشق طلا
همه میدان به سخن مانده و آواره شدند
ودگر خاطره عشق ازل بود به سر
آری اندیشهٔ نان هیچ نبود
وازین هرزه گری ها و دویدن پی هیچ
"گرد آوردن و پاشیدن ها"
وزتقلید نشان هیچ بنود
مرگ برشب!
ودو صد لعنت تاریک بر آن شب باشد
که چنان روز پر از مژده شکست
مرگ بر شب!
شب در بند شدن
شب پایان هنر مندی زیبای کتاب
که سر پنجه تاریکی ارزش فگنش
زگلوگاه کبوتر دم آواز بود
وخدا زمزمه غم شکن قدسی را
بستم باز ربود
وچمن غرق عزاگشت و گلان زرد شدند
ودگر عشق زپیچیدن نیلو فر رفت
و سپیدار خمید
وسکوتی که دمی چند طلائی شده بود
ساده شد بی برویی معنا شد
تشنگی تاجگر ابر به بالاآمد
و خرابات نشینان همه در گریه شدند
وخدا هیچ نگفت
وبه "امید" نگاه های پر از معنی کرد
تا هنوزی که هنوز است بهرگاه نماز
من زتاریخ صداهای پیاپی شنوم
که دوصدلعنت تاریک برآن شب باشد
وافق بازشود
ودگر تیغ وطلا پیر شود
ودگر عقل وهنر حاکم شمشیر شود
بعد از آن هرچه شود

تهران - تابستان ۱۳۸۱

حکایت در معنی شفقت

یکی از بزرگان اهل تمـــــیز
حکایت کند ز ابن عبدالـــعزیز
که بودش نگینی در انگشتری
فرومانده در قیمتش جوهـــری
به شب گفتی از جرم گیتی فروز
دری بود در روشنایی چو روز
قضا را در آمد یکی خشک سال
که شد بدر سیمای مردم هلال
چو در مردم آرام وقوت ندیـــد
خود آسوده بودن مـــروت ندید
چو بیند کسی زهر در کام خلق
کییش بگذرد آب نوشین به حـلق
بفرمود و بفروختندش به سیـــم
که رحم آمدش بر غریب و یتیـــم
به یک هفته نقدش به تاراج داد
به درویش و مسکین و محتاج داد
فتادند در وی ملامت کنـــــــان
که دیگر نیاید بدستت چنـــــــان
شنیدم که می گفت و باران دمـــع
فرو می دویدش به عارض چو شمع
که زشت است پیرایه بر شهـــــریار
دل شهری از ناتوانی فـــــــگار
مرا شاید انگشتری بی نـــــگین
نشاید دل خلقی اندوهگــــــــین
خنک آن که آسایش مـــرد وزن
گزیند بر آرایش خویشـــــــتن
نکردند رغبت هنر پــــــروران
به شادی خود از غم دیـــــگران

جایگاه مسعود در ادبیات فارسی

-۲-

پوهاند دکتر عبدالقیوم قویم

شـهادت مسـعود یـک حادثـه‌ء الـم بـار بـود. دیـده هـا از اشـک پر شـد و قلـبها مـالا مـال از انـدوه فـراوان. هـیچ سیاسـتمدار و دولتمرد را نمـی تـوان سـراغ کـرد که از این حادثـه غمگیـن نشـده باشـد و هیچ آژانـس خـبر رسـانی، رادیـو و تلویـزیون نـبود کـه راجـع بـه شـهادت وی صـحبت هـای تأسـف باری را به نشر نسپرده باشد.

آیـا جـز احمـد شـاه مسـعود، قهرمانـی را در دوران معاصـر مـی تـوان یافـت کـه بـا ایـن بزرگـی، با ایـن محبوبیـت، بـا ایـن شـهامت و شـهرت در سراسـر جهـان در قلـب و افکـار مـردم نفـوذ و رسـوخ داشته باشـد؟ نـه فقـط مسـعود بـود کـه خداونـد مـتعال ایـن صـفات و خصوصـیات را بـرای وی عنایـت کـرده بـود و بـه اثـر نبوغـی کـه داشـت یگانـه‌ء روزگـار خـود شـده بود.

بـه جـز مسـعود قهـرمان هـیچ کسـی را نمـی تـوان سـراغ کرد که در سـوگ او ایـن همـه شـعر و چکامـه و سـرود و تـرانه سـروده شـده باشـد. بـا یـک بررسـی شتاب زده مشـخص گـردید کـه در مـدت چـند مـاه بـیش از صد شاعر چکامه هایـی در بـاب شـهامت، درایـت، شخصـیت و شـهادت او سـرودند، بیشـتر ایـن شـاعران، از سـخنوران طـراز اول شـعر امـروز کشـور مـا هسـتند، در شـمار ایـن شـاعران نام عبدالحـی آریـن پـور ولوالجـی، واصـف باخـتری، بـیرنگ کوهدامنـی، افسـر رهبیـن، محـب الله بـارش، شـبگیر پولادیـان، عـارف پـژمان، عـبدالاحد تارشـی، عزیـز الله آریافـر، عبدالقـیوم قویـم، مـیر بهـادر واصـفی، سـید فضل الله قدسـی، جـاوید فـرهاد، حـیدری وجـودی، عبدالقـیوم ملکـزاد، نبـتون رؤف و ده هـا تـن دیگـر بودنـد و نـیز تعـدادی از شـاعران ایرانـی و تاجکسـتانی در همیـن راسـتا اشـعار پرسـوزی سـرودند. مطالعـه و تحلـیل اشـعار سـروده شـده مـی رسـاند کـه در واقـع مسـعود قهرمان مضـمون پایـان ناپذیـر اشـعار امروز مـا را تشـکیل مـی دهـد و او در ادبـیات فارسـی دری جایگـاه والایـی یافـته اسـت. هـر شـعری از ایـن شـاعران تـوأم بـا درد و انـدوه اسـت، بـه حیـث مـثال عبدالحـی آرین پور گفته است:

مسـعود از انـدوه تـو پنجشـیر بگرید
خـاواک بـه خـون خفـته و پامیر بگرید
در سـوگ تـو ای قافلـه سالار شهیدان
یـک ملـک زن و مـردو جوان پیر بگرید
مـنعم مکـن از گـریه‌ء بسـیار خـدا را
بگـذار کـه ایـن دیده شکم سیر بگرید
پنداشـت عدوقـتل تـو پایان نبرداست
امـروز بـدان نحـوه‌ء تعبـیر بگـرید
آسـان نـبود مرثـیه پـردازی مسـعود
زیـرا کـه قلـم در دل تحریر بگرید(۱)

واصـف باخـتری شـاعر فرهیخـته‌ء مـا تأثـرات خویشـتن را در سـوگ ایـن ابـر مـرد کشـور چنیـن ابـراز داشته است:

بـیا نشـیمن شـهباز را بـه گـریه نشـینیم
ستیغ وصـخره‌ء دروازه را بـه گریه نشینیم
لـباس سـوگ بپوشـیم چون بنفشه دراین باغ
نهـال هـای سـرافراز رابـه گریه نشینیم...(۲)

عـبدالاحد تارشـی نـیز از درد فـراق مسـعود قهـرمان بدیـن سـان سـخن می گوید:

پاسـبان وطـن ای عاشـق کشـور مسـعود
سـرو سـردار سـپه سـرور سـنگر مسـعود
وطـن سـوخته و زخمـی و آغشـته بـه خون
گـرید از درد فـراق تـو چـو مـادر مسـعود
ای بلـندای شـجاعت چـو غـرور کهسـار
ای بـه تنهایـی خـود قـوت لشـکر مسـعود
آبـروی همـه مـاتم زدگـان میهـن
آبـروی همـه مـردان دلاور مسـعود
خـم نکـردی سـر تسـلیم بـه دشمن هرگز
تـا نهـادی بـه ره‌ء دیـن و وطن سر مسعود
شـیر آن بیشـه کـه پـرورد در اغـوش تـرا
نکـند مـرگ غـم انگـیز تو باور مسعود...(۳)

بـیرنگ کوهدامنـی نـیز ضـمن سـروده‌ء پرمغـزی در مـاتم مسـعود قهرمان چنین مویه می کند:

زمین به لرزه در آید، سپهر گردد خم
اگر که مویه کنم سر به ماتم مسعود(٤)

خـانم رفاهـت شـاعر تاجکسـتانی در قطعـه شـعر پرسـوز خود در رثای زنده یاد مسعود قهرمان گوید:

نمی میری به آن روح بلند خود نمی میری
هنوزم وهم جان دشمنانی احمد مسعود(٥)

وخـانم امامـی شـاعر ایرانـی خطـاب بـه مـادران مـی گوید که در هجـران شـهید مسـعود بنالـید و بـه مـردمان خاطـر نشـان مـی سـازد که در نـبود بـرادر تـان خـاک غم بر سر کشید:

بنالـــید ای مـــادران رشـــید
زاتـــدوه و هجـــران شـــیر شـــهید
الا مـــردمان خـــاک غـــم ســـر کشـــید
زدل نالـــه بهـــر بـــرادر کشـــید
کجـــا رفـــت آن مـــیر وســـالار تـــان
و در لحظـــه‌ء بـــی کســـی یـــار تـــان
کجـــا رفـــت آن کـــوه ایســـتادگی
و معـــنای زیـــبای افتادگـــی
الا مـــردمان شـــاه مســـعود رفـــت
چـه پـاک وچـه زیبا چه مسعودرفت(٦)

بدیـن ترتیـب در مـی یابـیم کـه سـیمای تابـناک مسـعود بـزرگ، ایـن ابـر مـرد تـاریخ معاصـر کشـور، مضـمون پایـان ناپذیـر شـعر امـروز فارسـی- دری اسـت. او در ایـن عرصـه جایگـاه والایـی کسـب کرده اسـت. وقتـی انسـان هـر سـروده یی از سـروده هـای شـاعران را مـی خوانـد و آن را بـه دقـت تحلـیل می کـند، مـتوجه مـی شـود کـه در تشـبیهات و اسـتعارات آن، کارنامـه‌ء مخلصـانه و صـادقانه مسـعود قهـرمان ظـریفانه تـبلور یافـته است و نـیز پـی مـی بـرد کـه مقـام و بزرگـی او چقـدر در اوج قـرار دارد و نـام وی از شـکوه بـی نظـیر بـرخوردار مـی باشـد. تـا زمانـی کـه شـعر و ادبـیات امـروز مـا تـوان بالندگـی را در خـود احسـاس کـند، یـاد مسـعود قهـزمان و بـزرگ داشـت مقام او، جـان مایـه‌ء ایـن ادبـیات خواهـد بـود و بمانـاد ادبیاتـی که از چنین شکوه مندی برخوردار است.

☆ پی نوشت ها:

١-مسـعود در سـروده هـای شـعراء، مرتـب ا.ح.بلخـی،١٣٨١ ص ١٥٢.
٢- همان اثر، ص١١٦
٣- همان اثر، ص٩٩
٤- همان اثر، ص٨٣
٥- همان اثر، ص٢٣
٦-همان-اثر، ص ١٨٦

پیوسته به گذشته

جهانی شدن فرهنگی

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

مهمترین وسایل غرب در تجاوز به جوامع دیگر –به ویژه جوامع اسلامی– را به صورت ذیل می توان ارایه کرد:

یکی از این وسایل قراردادهای –چه فرهنگی و چه اقتصادی و غیره...– است که یقیناً در فرایند آن طرف نیرومند طرف ناتوان را تحت تاثیر قرارداده و از طریق آن ها چه قراردادهای دو جانبه باشند ویا قرار دادهایی که توسط سازمان های بین المللی چون سازمان تجارت، سازمان جهانی خوراک وکشاورزی (FAO) سازمان جهانی کار و سازمان صحی جهانی و... مصالح فرهنگی و ارزش های خود را تحقق و حاکمیت می بخشند.

بزرگترین فعالیت ها انسانی، صحی، تربیتی، اقتصادی، مطبوعاتی و تقنینی همه و همه در محراق توجه جامعه جهانی بوده و حتا این سازمان ها در میان جامعه بشری کار وزارت های مختلف را در میان افراد یک ملت به پیش می برند.(۱)

-کنفرانس هایی که ارزش های غربی را جهت تعمیم آن ها در سایر کشورها به تصویب رسانیده و مساعدت به این کشورها را به اندازه التزام آن ها به این ارزش ها وابسته می داند.

در این جا می توان به کنفرانس های اشاره کرد که در مورد آن ها غوغای بزرگی در جهان اسلام بر انگیخته شد که از آن جمله است کنفرانس منعقده در قاهره در سال ۱۹۹۴ و پس از آن کنفرانس منعقده لاهه و کنفرانس منعقده پیکن در سال ۱۹۹۵ و کنفرانس جمعیت در استانبول.

-راه دیگر برای عمومیت بخشیدن به ارزش های غربی همان راه تجارتی و نوشته های کتلاک ها و نوشته هایی است که در لباس ها به چشم می خورد.

-دروازه بزرگی که ارزش غربی و افکارش از طریق آن در همه دنیا پخش و گسترش می یابد وسایل مطبوعات به ویژه وسایلی است که به صورت زنده و مستقیم توسط ماهواره ها و انترنیت پخش می گردد.

-نخبگان بر خوردار از فرهنگ غربی هم -علی رغم آن که اکنون غرب پیام خویش را شخصاً به همه جهان می رساند- ولی بازهم نقش خود را در نابودی جامعه مسلمان که قبلاً به نام نوگرایی وغرب گرایی بازی می کرد، با شیوه های جهانی شدن انجام می دهد.

۳- حقوق بشر: دعوت انسان گرایانه دعوتی است که ریشه در ژرفای زمانه ها داشته و به بحث پیرامون ارزش های مشترکی می پردازد که شاعران و فلاسفه هریکی بر محور آن سروده ها می آفرینند وخیال پردازی ها می کنند.

ولی چندگانگی های دینی و تمدنی میان خانواده بشری مانع آن گردیده است که این ارزش بر همه بشریت ولو که عنوان های آن –چون حق، عدالت، نفی ضرر وغیره مورد اتفاق سایر ملت ها هم می باشد- با قرائت واحدی حاکمیت یابد.

در قرن بیستم و به صورت مشخص بعد از جنگ جهانی دوم، گزارهٔ حقوق بشر به فراخوان جهانی و عملی ای تبدیل گردیده است که همه کشورهای باشتده این کره خاکی آن را سوژه سروده های خویش قرار داده و ابر قدرت ها هم آن را از طریق صدور اعلامیه های چون اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۹ و دو فیصله نامه در پیوند به حقوق مدنی–سیاسی و اقتصادی که توسط ملل متحد در سال ۱۹۶۶ به نشر رسیده است، مورد تایید قرار دادند.

این حقوق به حالتی نماند که هر ملتی آن را بر وفق فرهنگ و ارزش خویش تفسیر نماید، مفاهیم معینی برای آن تعین گردید که گذشتن از مرزهای آن را تجاوز به حقوق بشر و اهانت به انسانیت، به حساب می گیرند که گاهی کشوری هم به سبب پامال کردن این حقوق به مجازات بین المللی محکوم می گردد.

پرسشی که در این راستا مطرح می شود این است که فرهنگ اثر گذار در شکل دهی مفاهیم این حقوق و تعیین مرزهای آن، کدام فرهنگ است؟

بدون شک این فرهنگ همان فرهنگ لبرال غربی است که آن مفاهیم را چهره نگاری نموده و به آن آب و تاب می دهد.

همین امر باعث گردیده است که حقوق بشر حاوی اموری گردد در تضاد با فرهنگ های دیگر، چیزی که برخی کشورها –چون عربستان سعودی و اتحاد شوروی پیشین– را وا داشت تا پیرامون بعض بندها و مواد آن، ملاحظات خویش را ابراز نمایند.

ولی با وصف آن هم این حقوق حاوی عناصری است بس مهم که توده های گسترده بشری در سطح ملت ها و کشورها که از تجاوزات وحشیانه، ددمنشانه، ظالمانه و پامال کردن حاکمیت آن ها، به ستوه آمده اند از آن سخن گویند و به آن دلبندند.

یقیناً تطبیق عادلانه و انسان گرایانهٔ این عناصر، پیامدهای ستودنی دارد ولی دید نژادپرستانه باعث انحراف این عناصر و مفاهیم، از آن اهداف والا گردیده است.

بدون شک این حقوق در زیر چتر جهانی شدن کنونی، نسبت به گذشته به خاطر برخورداری آن از پشتیبانی جامعه بین المللی در عرصه نظارت از جوامع در مورد آن و اتخاذ اجراآت لازم در برابر متهمان به پامال کردن این حقوق، طرف توجه بزرگی قرار گرفته است. اکنون قضیه دموکراسی به حیث یک خواست و تروریزم به حیث نیروی جنگی علیه آن، از قضایای زنده دوران های اخیر، در این عرصه به حساب می رود.

ادامه دارد

از فرنگ برگشتگان و مشکلات...

از غرب برگشتهٔ دیگری به وزارت امور زنان پیشنهاد کمک به ساختن "شلتر" را در کابل دارد. شلتر یعنی چه و به چه منظور؟ اشتباه نکنید؛قصد وی ساختن سرپناه برای زنان بیوه وبی سرپناه نیست. منظور وی از شلتر محلی است که زنانی که نمی خواهند با شوهران خود زندگی کنند ویا دخترانی که از محدودیت های اخلاقی فامیل خود ناراض اند و دخترانی که در نتیجهٔ رابطهٔ نا مشروع حامله می شوند در آن جا پناه آورند و تحت حمایت قرار گیرند! برخی از این آقایان برای مبارزه با دین راه رواج تصوف انحرافی را در پیش گرفته اند. درست همان کاری که کمونیست ها در آخرین سال های اقتدار خویش برای مبارزه با جهاد و مجاهدین در پیش گرفتند. چنین به نظر می رسد که این آقایان در این مسیر حتی از کمونیست ها نیز با جرئت بیشتر قدم بر می دارند. ایشان اراده دارند تا اسلام و هندویزم را با هم نزدیک سازند و مقام خانقاه را در حد یک محل ساز و سرور و لهو ولعب تنزل دهند.

اگر کمونیست ها به این کار دست زدند به خاطر احترام به مقام خانقاه و سجاده نشینان آن نبود، مگر آنان نبودند که ده ها تن از اعضای خانواده ای روحانی را به شهادت رسانیدند؟ کمونیست ها می خواستند خانقاه و مسجد را که هردو سنگر واحد بر علیه کفر و شرک اند در برابر هم قرار دهند و به همین علت عدهٔ زیادی از پیرهای تقلبی را به وجود آوردند اما مردم که از دسیسهٔ شوم کمونیست ها آگاه بودند نه فریب آن پیرها را خوردند و نه اجازه دادند تا از مجالسی چون "عرس مولانا جلال الدین بلخی" بر علیه مسلمانان و مجاهدین استفاده شود بلکه اندیشمندان همان مجالس عرس را نیز به منبری علیه رژیم مبدل ساختند.

در این جا این آقایان بازی خطرناکی را آغاز کرده اند به این امید که اگر کمونیست ها موفق به ایجاد دشمنی میان مسجد و خانقاه نشدند، اگر آنان نتوانستند تصوف را در برابر جهاد به کار گیرند امروز در شرایط وجو جدیدی که خلق شده است او به این کار توفیق یابد ولی زهی خیال باطل.

این ها تجربه های ناکامی است که کمونیست ها آزمودند، راهی است که دیگران قبلاً رفتند و به جایی نرسیدند. می گویند کسی که می خواهد فقط از تجربهٔ خود سود ببرد، باید دو بار به دنیا بیاید؛ یک بار برای آموختن تجربه و بار دیگر برای به کار بستن آن، ولی هیچکس دو بار قدم به جهان نمی گذارد ، اما چنین به نظر می رسد که هر که در این کشور از گرد راه می رسد می خواهد در آزمایشگاه افغانستان تجربهٔ خود را عملی سازد بدون این که به عواقب ناگوار آن برای مردم افغانستان بیندیشد.

از یک ربع قرن به این طرف افغانستان آزمایشگاه جهانی به منظور تجربهٔ همه چیز از افکار و اندیشه و ایدیولوژی گرفته تا اسلحه و تکنالوژی جنگی بوده است. در این جا کمونیزم به شیوهٔ نوین آن تجربه شد که در آن با حذف یک دورهٔ تاریخی از دید جامعه شناسانه خود آنان جامعه مستقیماً از فیودالیزم به سوسیالیزم گام نهاد!

این جا میدان تجربهٔ تند روی های سیاسی مذهبی گروه هایی بود که برای دست یابی به قدرت از هر نقاب و پرده و بهانه یی بهره گرفتند و اینک امروز این جامعه خسته و آزرده از جنگ و مصیبت های طولانی آن، میدان تجربه یی از غربت برگشتگانی است که می خواهند کار سازندگی را از ویران کردن ارزش هایی آغاز کنند که بیش از ده قرن در این کشور ریشه دارد.

این عناصر فقط به فکر عملی کردن تجربهٔ خود شان اند. برای آنان مهم نیست که حاصل این تجربه برای مردم به چه قیمتی تمام خواهد شد، زیرا این ها خود از جنس زنده جان های (ذوحیاتین) اند یعنی هم تذکره تابعیت افغانستان را دارند و هم (ستیزن شپ) یک کشور غربی را. و اگر اعمال آنان موجب ایجاد یک عکس العمل متقابل در کشور گردد این موجودات (ذو حیاتین) با یک خیز خود را از خشکه به آب پرتاب خواهند کرد و در گوشه یی دور از دسترس در امان خواهند بود، ولی وای به حال افغانستان که باید مصیبت یک جنگ دیگر را تحمل کند.

برای این جماعت درک این حقیقت مشکل است که اسلام با ظهور طالبان به افغانستان نیامده بود که با رفتن طالبان از این کشور رفته باشد و افغانستان نیز در پایتخت ویا یکی دو شهر دیگر خلاصه نمی شود که با تغییر ظاهری و سطحی آنان دوری به پایان برسد و عصری سراز نو آغاز گردد و اگر وضع به همین منوال به پیش برود می توان به جرئت گفت آیندهٔ روشنی در انتظار افغانستان نخواهد بود.

☆☆☆

بنده های خدا عجیب فراموش کارند تا آنگاه که محروم از قدرتند، بر اعمال و کنش های صاحبان قدرت می تازند و چون خود در موقعیتی قرار گیرند که امکان رسیدن به قدرت (یا شبه قدرت) میسر گردد، به همان راهی می روند که تا دیروز قدرتمندان سلف را به خاطر طی آن طریق به باد نکوهش می گرفتند.

نزدیک ترین تجربه در این رابطه دورهٔ طالبان است که همه بر آنان می تاختند به این جرم که آنان مردم خود کامه و مستبدند انحصار طلبند و قدرت تحمل دیگران را ندارند.

طالبان واقعاً چنین بودند. مجاهدین را (توپکیان=تفنگداران) و (شروفساد) می خواندند. آنها معتقد بودند که امنیت و ثبات زمانی در افغانستان حاکم خواهد شد که سازمان های جهادی از این سرزمین ریشه کن گردند. مزاری را کشتند، مسعود را کشتند و اگر می ماندند شاید بسیاری دیگر را می کشتند.

عجیب است که طالبان رفته اند ولی شعارهای شان هنوز هم به اصطلاح (مدروز) است با این تفاوت که این بار شعار دهنده عنوان ملا و طالب ندارد (هرچند در معنی طالبان کراوات دار هستند). این بار حمله از سنگر طالبان به مجاهدین صورت نمی گیرد بلکه مهاجم عناوینی چون مردم سالاری و حقوق بشر و دیموکراسی را سنگر حمله بر مجاهدین قرار داده است. در این شعارها (توپکیان) جای خود را به جنگ سالاران داده، یعنی فقط اصطلاحات ترجمهٔ دری دارند.

می گویند: دیگر دوران سازمان های جهادی به سر آمده است و این سازمان ها باید بساط خود را از عرصهٔ سیاسی کشور برچینند.

این ها از جانب چه کسانی سخن می گویند؟ اگر معیار و ملاک انتخاب در یک نظام مبتنی بر ارزش های مردم سالار رای و نظر مردم هست و اگر این اصل ارج و ارزشی نزد مدعیان دفاع از دیموکراسی دارد باید بپذیرند که حرف آخر را مردم با رای خود خواهند زد.

دولت غیر سیاسی، پوهنتون غیر سیاسی و در مجموع جامعه غیر سیاسی که در این جا و آن جا شنیده و خوانده می شود آیا دقیقاً همان اهدافی نیست که طالبان در نظر داشتند؟ طالبان هم هر فعالیت سیاسی را که مغایر با منافع و اهداف خود تشخیص می دادند به عنوان حرکت مغایر با دین سرکوب می کردند. آیا همگونی سیاست دوستان از فرنگ برگشته با طالبان نشان از سردرگمی این جماعت در برابر مشکلات جامعهٔ افغانستان ندارد؟

-۲-

اهمیت حج در اجتماع اسلامی

مولوی عبدالعزیز

بعد سیاسی حج

حج در عین این که خالص ترین و عمیق ترین عبادات را عرضه می کند، موثر ترین وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی اسلام است.

روح عبادت توجه به خدا (ج) و روح سیاست توجه به خلق خدا است، این دو روح درحج آن چنان به هم آمیخته اند که تاروپود یک پارچه شده اند. حج اجتماع فراگیری است برای همه مسلمانان، اجتماعی که در آن مسلمانان عظمت و شکوه و جلال خویشتن را در اعماق تاریخ از لابلای کارنامه های پدرشان ابراهیم درک خواهند نمود و متوجه خواهند شد محوری که همه به آن وابسته بوده و عظمت و جلال شان از آنجا نشأت نموده همین کعبه است -کعبه یی که همه به طرف آن توجه دارند و همه در گرد آن جمع می شوند- و احساس می کنند پرچمی که همه را جمع می نماید لوای ایمان و توحید است که در زیر سایه ان همه امتیازات قومی و زبانی و رنگ وطنی رنگ می بازد.

مسلمانان در چنین اجتماعی است که به قوت و شوکت مادی خود که گاه گاهی آن را فراموش می کنند پی می برند و بدان اتکا می نمایند. نیروی اجتماع وهمبستگی و وحدتی که ملیونها مسلمان را تحت پوشش خود قرار می دهد واحدی را مجال مقاومت آن نیست، اگر در محور جمع شوند و از آن استفاده نمایند.

حج اجتماع معرفت و مشوره و تنظیم برنامه های جهاد و مقاومت و مباد له تجارب و مبارزه در زمینه های گونه گون زندگی است.

حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی است. حج عامل موثری است برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و آزاد ساختن مسلمانان. حج وسیله یی است برای پخش و انتقال اخبارواحوال مسلمانان به سراسر جهان و همه این اهداف مقدس هرسال تحت حمایت خداوند(ج) و در جوار خانه او و در بهترین اوقات و مشرفترین مکان سازمان می یابد. وبالاخره حج عبادتی است که در آن دنیا و آخرت اقتصاد وسیاست و تجارت و عبادت با هم گره خورده است، چنانچه تجلیلی است از مبارزات ابراهیم و محمد علیهم السلام و بنیان اولین خانه که برای عبادت خدای یکتا در روی زمین نهاده شده است، پس حج تجمعی است که اهداف بس بالای مادی و معنوی دارد.

از این جهت است که الله تعالی می فرماید: **(وأذن فی الناس بالحج... لیشهدوا منافع لهم)** "ومردم را فرا بخوان به حج که از مناطق دور دست با وسایل دست داشته سفرشان به حج بیت الله حاضر شوند تا که منافع خود را دریابند و یاد خداوند (ج) را به سبب نعمت هایی که به ایشان داده است تکرار نمایند".

وشاید این ها بعضی از چیزهایی باشد که خداوند در وقت فرض گردانیدن حج اراده کرده بود، روزی که به ابراهیم علیه السلام دستور داد تا مردم را به طرف حج بیت الله دعوت کند.

از این جهت است که یکی از سیاست مداران مغرب زمین می گوید: "وای بر حال مسلمانان که اگر معنی واقعی حج را نفهمند، ووای برحال دشمنان ایشان اگر معنی حج را درک کنند".

بعد فرهنگی حج

مسلمانان در ایام حج می توانند موثر ترین وسیله مبادله فرهنگی و انتقال اندیشه شوند -چنانچه در طول تاریخ اسلام و موسم حج و مکه مکرمه چنین نقشی را دارا بوده است- خصوصاً با توجه به این نکته که اجتماع شکوهمند حج نماینده طبیعی وواقعی همه قشرهای مسلمان جهان از گروه های نژادی گونه گون و جاهای گونه گون است.

از سوی دیگر حج می تواند مبدل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود که دانشمندان جهان اسلام در ایامی که در مکه هستند گرد هم جمع شده و افکار و ابتکارات خویش را در عرصه های مختلف به یکدیگر عرضه کنند.

حج یکی ازجمله عبادات منحصر به فرد است که جلو تشتت فرهنگی مسلمانان را می گیرد و عامل همبستگی و نزدیکی فرهنگی مسلمانان می شود، با توجه به روی کار آمدن کشورهای جداگانه در جهان اسلام که مسلمانان را دچار تشتت فرهنگی نموده است اهمیت نقش حج بیشتر گردیده است.

بعد اقتصادی حج

برخلاف آنچه بعضی فکر می کنند، استفاده از کنگره عظیم حج با تقویت پایه های اقتصاد کشورهای اسلامی نه تنها منافات ندارد بلکه یکی از فلسفه های حج را همین امر تشکیل می دهدو در وقت حج تجارت پیشه گان و صاحبان کالا، بازار خوب و سودمندی می یایند تا کالاهای مختلف را به طرف خانه خدا انتقال دهند. پس در حقیقت حج بازار سالانه و نمایشگاهی است که تاجران نمونه هایی از کالاهای تجارتی خود را در آن عرضه می دارند و خداوند (ج) هم به مسأله تجارت در ایام حج اشاره نموده است: **(لیس علیکم جناح أن تبتغوا فضلا من ربکم)** "برشما گناهی نیست که در ایام حج از فضل و مهربانی پروردگارتان بخواهید تجارت کنید" این اسلوب بیان ترغیبی صریح است به طرف تجارت در ایام حج وردی است بر افکار زمان جاهلیت که تجارت را همراه با حج نا جایز بر می شمرد. کوتاه سخن این که مانعی وجود ندارد که مسلمانان با استفاده ازایام حج پایه، یک بازار مشترک اسلامی را بگذارند و زمینه های مبادلاتی و تجارتی را در میان خود به گونه یی فراهم سازند که منافع شان به جیب یکدیگر بریزد و اقتصاد شان وابسته به دیگران نگردد و این کار نه تنها دنیا پرستی نیست که عین عبادت است.

قربانی و اهمیت آن:

(ولکل أمه جعلنا منسکاً لیذکروا اسم الله علی ما رزقهم من بهیمه الانعام)
"ما قربانی را برای همه ملت ها قرار دادیم تا نام خدا (ج) را در (وقت ذبح) آنچه به ایشان از چهار پایان دادیم، یاد کنند".

(قال رسول الله صلی الله علی وسلم: **(ما عمل آدمي من عمل یوم النحر أحب إلی الله من إهراق الدم)** "در روز عید قربان هیچ انسانی عمل بهتر به نزد خداوند از ریزاندن خون (قربانی) انجام نمی دهد، وقربانی در روز قیامت همراه با شاخ و پشم و سمش حاضر خواهد شد و این کنایه از عدم نقصان در اجر و ثواب قربانی است و ثواب آن بدرگاه خداوند قبول می شود پیش از این که خونش به زمین بریزد. پس مسرور باشید و به قربانی کردن مبادرت ورزید.

زید بن ارقم (رض) روایت می نماید: **(قلت یا رسول الله ما هذه الاضاحی قال سنهٔ أبیکم ابراهیم علیه السلام قالوا ما لنا قال بکل شعرهٔ حسنهٔ)** "روایت احمد" "گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم این قربانی ها برای چه است؟ گفت سنت پدر تان ابراهیم است. گفتند ای رسول خدا برای ما چه فایده یی دارد؟ فرمودند در مقابل هر تار آن به شما یک نیکی داده می شود. گفتند در مقابل پشم آن چه؟ فرمودند: در مقابل هر تار پشم قربانی به شما یک نیکی داده می شود.

این قربانی ها چنانچه قرآن تصریح نموده است در همه ادیان و گروه های انسانی یافت می شود. فرق آن در اسلام این است که اسلام این عبادت را در راستای درست آن قرار داده است و آن عبادت از توجه واخلاص ورزیدن به خداوند یگانه در ظاهر وباطن، **(قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العلمین)** "بگو نماز من و قربانی من و زندگی و مرگ من برای خدای است که پروردگار عالمیان است.

اسلام می خواهد افکار و انگیزه ها و همه اعمال تنها برای خدای واحد باشد و میان قربانی و اخلاص و تقوی رابطه یی محکم قایل است؛ زیرا تقوی مقصد اصلی مناسک حج و عمره و مراسم آن را تشکیل می دهد و مناسک و سنن ظاهری حج در حقیقت جز تعبیری نمادین از اخلاص و فرمان برداری از صاحب خانه نیست. **(لن ینال الله لحومها و لا دماؤ ها ولکن یناله التقوی منکم)** "هرگز به دربار خدا (ج) گوشت ها و خون های قربانی نمی رسد بلکه اخلاص و پرهیزگاری شما به نزد خداوند (ج) عروج خواهد نمود.

قربانی یاد بودی است از خاطره های ابراهیم علیه السلام، وآن نیز طاعت وانابت و اخلاص و نیازی است؛ به سوی خدا. در همه ادوار تاریخ ، ادیان توحیدی، به رابطهٔ بین عقیده و سنت ها ورواجها توجه داشته است چون عقیده زیر بناء سنن وعادات است ورسوم وعادات تعبیری از عقیده نمادی از ان را تشکیل می دهد.

قربانی از جانبی هم تجلیلی است از صبر و شکیبایی اسماعیل علیه السلام و قبول فدیه در بدل او از جانب خدای. و حقیقتاً قربانی یادی است از یکی از معجزات و نشانه های قدرت خداوند(ج) وفرمان برداری بندگان ویژه او ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام از فرمان او بدون هیچ گونه تعلل.

منابع مالی برای . . .

جا مانده از جنگ غلبه کند و داعیهٔ اعمار مجدد افغانستان تحقق بیابد.

اما قرار معلوم نه تنها این که جامعهٔ جهانی به ضرورت مالی افغانستان به مقدار مورد ضرورت مطابق پیشنهاد منابع معتبر اقتصادی توجه و اهتمام جدی نورزید که حتی برخی از منابع کمک دهنده نیز ، بعد ها معلوم شده که یا کمک های وعده شده را با سپردن مواد غذائی توانستند بر آورده کند ، یا این که این کمک بلا عوض نبوده و به صورت قرضه به اختیار افغانستان قرار داده خواهد شد و آن هم عمدتاً نه در عرصه بازسازی که صرفاً برای تهیه کمک های بشری به مردم افغانستان بدون توجه به ریشه های مصایب جنگ که بدون شک در بازسازی افغانستان نهفته است به مصرف رسیده و بعد ازاین نیز در همان عرصه به کار خواهد رفت. پس معلوم است که افغانستان، باوجود حضور نیروهای فعال بین المللی در عرصه وبا وجود داشتن حمایت جامعهٔ جهانی به این زودی قادر به رفع مصائب جنگ ، عقب ماند گی و محرومیت نخواهد شد.

در عین حال آنچه بیشتر مایهٔ نگرانی مردم افغانستان می گردد این است که ادامه کمک به اصلاح سیستم قضایی افغانستان و تدوین قانون اساسی جدید مربوط و منوط دانسته شده است.

تهیه کنند گان گزارش به این باورند که اداره موجود باید در چار چوب قانون جدید دست به اصلاحاتی بزنند که مورد قبول منابع امداد دهنده باشد و در نهایت دولت مرکزی باید از وضعیت موجود عدم قابلیت به سوی رشد ظرفیت کاری حرکت نموده، خود را متعهد جلب و جذب کمک ها نموده ، خود به منبع مستقیم در یافت امداد مبدل گردد.

در ظاهر امر همه این ملاحظات هر چند معقول و موجه به نظر آیند، باز این نگرانی جا خواهد داشت که آیا منابع کمک دهنده به گونه سعی در وضع شرایط جدید و تحمیل نظرات و دید گاه های خود شان ندارند.

و آیا این بدان معنی نیست که مردم در بدل قبول مساعدت جامعهٔ جهانی و نظام سیاسی آینده برای کشور شان صرف نظر نمایند.

وآیا این به معنی نوعی اعمال نفوذ از بیرون برای انتخاب راه و سیستم سیاسی جدید در افغانستان به گونه های که منابع امداد دهنده می خواهند نیست.

اولین محموله گاز . . .

نجیب مهربان رئیس اتحادیه تازه تأسیس نفت و گاز گفته است، بیست وچار شرکت سهیم در این اتحادیه مصرانه کوشش خواهد نمود تا مسأله تولید و توزیع گاز را در داخل افغانستان سروسامان بخشیده وقیمت ها را به حد اقل ممکن برساند، تا تمام اقشار جامعه افغانی بتوانند از مفاد این قرار دادها بهرمند گردند.

به تعداد شش واگون به وزن مجموعی چار صد تن گاز در حضور هیاتی توسط قونسل ترکمنستان در ولایت هرات به مقامات تحویل داده شد و قرار است اولین محموله این گاز برای مصرف شهریان محترم کابل وارد شهر گردد.

مردم هرات و اسمعیل خان قابل تمجیدند نه ...

"جناب اسمعیل خان هم اکنون دو پست را در اختیار دارند، یعنی هم والی ولایت باستانی هرات اند وهم قوماندان قول اردوی هرات و علاوه به این دو ... صاحب ساختار نظامی جدا از قول اردوی نمبر چار که از دید قانون هیچ گاهی در افغانستان سابقه تشکیلاتی نداشته است، برای سرکوب مخالفین و تأمین آرزوها و خواست های شان هم می باشد که کار کردهای جناب شان با این مجموعه یی که زیردست دارند همیشه و به خصوص طی یک سال گذشته مورد انتقادات شدید نه تنها سازمان های بررسی کننده و ضعیت حقوق بشر بوده است بلکه....."

وتاپایان جملاتی که از هرمشتی آن کوهی ازعقده ها و بد بینی ها و منفی بافی های منوط به نگرش های خاص سیاسی به ملاحظه می رسد، چنین افاده می فرمایند که گویا اسمعیل خان تشکیلات دگری به نام های جهاد و مقاومت را چرا و با چه منظوری حفظ می کند و می پرسند: چرا دولت مرکزی با اسمعیل خان به این تفاهم رسیده است که وی در هرات در پهلوی قطعات موجود نظامی تشکیلات دگری نیز برای حفظ نیروهای جهادی در اختیار داشته باشند؟ و با عقده گشایی خاصی می پرسند: "پس این نیروی دیگر یعنی چه؟ از این نیرو برای چه و به خاطر چه می خواهند استفاده کنند؟"

وباروان عقده بار و بیمار گونه یی خود در جواب او می گویند: "برای مقابله با اردوی ملی؟ برای حفظ ملوک الطوایفی؟ برای قدرت نمایی و سوزانیدن چشم حریفان؟"

و همین سان با چند چون وچرای نیش عقرب دار که از پی کین است نه چیز دیگر. سرنخ ملوث در افراط گویی و تفریط نگری را باز هم در گره های کور دگر می پیچانند و در خاتمه می گویند: آیا این امتیازی نیست که از روی مجبوریت به جناب اسماعیل خان داده شده است، یا حاتم بخشی و بدین گونه تقریبا نصف صفحهء نشریه اراده را با همین عبارات و کلمات، متاسفانه سیه کرده اند.

آقای نگارنده!

آنچه برخی از رسانه های معلوم در باب حقوق بشر این جا و آنجا عنوان می کنند، سخن تازه یی نیست و هدف از آن نیز برای آنها که اهل بصیرتند روشن است.

برای عده یی موجودیت چهره های جهادی با سابقه درخشان، در حالی که در ساحهء معین و حدود صلاحیت شان امن و آرامش حکم فرماست و توانسته اند ثابت کنند که اهل کارند، قابل تحمل نیست؛ چرا که آنها به حذف جانب مقابل بیشتر می اندیشند تا به امر تحمل و تساهل و قبول زندگی با همی. عده یی دروغ می گویند که دگر اندیشند و به دموکراسی باور دارند و به رای مردم احترام قایلند. وشما نگارنده محترم نیز متاسفانه دانسته یا ندانسته به این صف دروغ گویان و اشاعه دهندگان اهداف خاص پیوسته اید. توجه کنید تا کجا به بیهوده گویی و هذیان پراگنی مبادرت می ورزید.

می فرمایید: اسماعیل خان دو پست مهم را در اختیار دارند.



کجای این موضوع اسباب تعجب و اسباب خشم شماست.

این اسمعیل خان فرمانده عمومی جهادی حوزه جنوب غرب بود که پس از سرکوب نیروهای طالبان و القاعده پیروزمندانه وارد ولایت هرات گردید. در این صورت چه کسی باید سمت رهبری نظامی ولایت هرات را داشته باشد؟ شما یا اسمعیل خان که از جوانی تا به پیری نقد عمر گرانبها را در خدمت مبارزه برای آزادی وطن گذاشت و از جنگ گرفته تا زندان هر شقاوت پیش آمده را به جان پذیرفت.

مگر این طبیعی نیست که در وضعیت این چنین بحرانی هردوی این مسوولیت یعنی هم رهبری مقام ولایت و هم فرماندهی امور نظامی اساسا در دست ایشان باشد.

این پرسش را با جدیت و احساس مسوولیت عنوان می کنیم که:

چرا هواداران پروپا قرص دموکراسی این همه بیتاب سبکدوشی و کنار زدن شخصیت های معروف جهادی و رهبران مقاومت ملی در کشورند؟

چرا نباید مدتی کوتاه دگر منتظر بمانیم تا دیده شود، ملت هنگام مراجعه به انتخابات عمومی که یک اصل مسلم دموکراسی پنداشته می شود، چه کسی یا چه کسانی را برای احراز مسوولیت های مهم در مرکز یا ولایات انتخاب می کنند.

نویسنده محترم به ابراز نارضایتی مردم اشاره و توضیح می کنند:

"مردم عام و باشندگان شهر هم نا رضایتی های شان را با ذرایع گوناگون و استفاده از فرصت هایی که میسر بوده باربار ابراز داشته اند."

آقای نگارنده! آیا این کافی خواهد بود که صرفا با توجه به اظهارات یک معترض یا چند انتقاد کننده، ما دست به دست هم بدهیم قلم و کاغذ را صرف آن کنیم تا بر ضد شخصیت محترم وقابل قبول اکثریت ومطرح در جامعه یی مانند هرات جو مخالف درست کنیم و آب به آسیاب دشمنان ملت افغانستان بریزیم.

آقای محترم وقتی حکومت مرکزی که نماینده باصلاحیت مردم افغانستان است، لازم می داند هردو پست یا مقام دریک ولایت در اختیار یک شخص قرار بگیرد، شما را کدام الزامی وادار به مخالفت می کند؟

آخرین توصیه ما به این نویسنده محترم -که نطق نا مطبوع ایشان حتا از نظر املا و انشاء به اصول ژورنالیزم برابر نیست که به عنوان مثال گزارش را "گذارش" می نویسند و در عبارات شان اغلاط متعدد به ملاحظه میرسد- این است که برای دولت مرکزی حضور شخصیت های جهادی و موجودیت فرماندهان منطقه یی و حمایت آنان از دولت انتقالی یک امر حیاتی به شمار می رود. شما لطفاً به سم پاشی و مغشوش ساختن اوضاع نپردازید، سعی بورزید جامعه زخم خورده موجود را با چشم واقع بین نگاه کنید.

همهء ما باید ظرفیت و تحمل آن را داشته باشیم تا منتظر آینده بمانیم، آینده یی که ملت در یک انتخابات آزاد و سری و مستقیم، خود سرنوشت خود را تعیین کند، اگر راست می گوییم.

میزان جرایم درشهر کابل کاهش ...

حادثهء بد و نا امنی را بگیرند ولی هنوز در این راستا موفقیت چندانی نصیب شان نگردیده است.

قسمت هایی از شهر به قول باشندگان آن شبانه به وحشتکده یی می ماند که هیچ کسی در آن جاها خواب راحتی ندارد. باشندگان این ساحات مدعی اند که شبانه به خاطر زنده ماندن و در امان ماندن جان و مال و نوامیس شان با هرچه در دسترس دارند بر بالای بامهایشان به پا داری مشغولند و تا حال تغییری در این وضعیت به مشاهده نرسیده است.

هرچند وزارت داخله دولت انتقالی اسلامی افغانستان اضافه از دو ماه می شود قیود برگشت و گذار را در شب لغو کرده است ولی از دلهره و هراس مردم به هیچ وجه کاسته نشده است چه طی روزهای اخیر از بروز وقایع و حوادث ناگوار جنائی در سراسر شهر کابل گزارش می رسد.

این گزارش ها هرچند توسط مقامات امنیتی مبالغه آمیز و گمراه کننده خوانده شده است ولی تا جایی که معلوم می شود چندان دور از واقعیت نیز نمی باشد.

تورنجنرال صبغت الله سایق رئیس عمومی مبارزه با جرایم جنائی وزارت داخله متیقن است که بروز جرم و جنایت در هر شهر بزرگی محتمل به نظر می رسد. او به گونه مقایسوی گفت طی سال ۲۰۰۲ در شهر بزرگ نیو یارک ۵۷۳ واقعه قتل صورت گرفته است که در مقایسه با کل افغانستان طی یک سال گذشته (۶۰۳ قتل) یک رقم تکان دهنده می باشد.

وی می گوید که این مقایسه نشان می دهد که امنیت در افغانستان بسیار خوبتر از آنجا می باشد زیرا در نیویارک با وجود موجودیت پلیس مجهز با وسایل و تجهیزات مدرن طی یک سال برابر به کل افغانستان واقعه قتل صورت گرفته است.

مسأله بد امنی و بروز وقایع جرمی در غرب شهر کابل وسایر نقاط آن چیزی نیست که مکتوم و پنهان باشند. اخیراً گزارش مفصل وقایع و حوادث جرمی یی که در غرب کابل اتفاق افتاده بود طی یک گزارش مفصل به آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ارائه شد. آقای کرزی در برابر اهالی دشت برچی به صراحت گفت که مشکل امنیتی تنها در غرب کابل مطرح نیست بلکه این مشکل در سراسر کشور وجود دارد. با آن هم درست چند روز پس از سفر آقای کرزی به غرب کابل مقامات وزارت داخله حوزه جدید پلیس را در آن ناحیه ایجاد کردند که گمان می رود بتواند گامی در سوی تامین امنیت در غرب کابل باشد. به قول آقای سایق "وضع امنیتی در غرب کابل نسبت به سایر نقاط شهر کابل بهتر شده است".

وقتی از او دلیل این دگر گونی را پرسیدم در جواب گفت: "در این جا حوزه جدید در غرب کابل ایجاد ونظارت وکنترل و گزمه های دوامدار در نقاط مختلف آن افزایش یافته است و در نتیجه ما توانسته ایم تعدادی از افراد مسلح غیر مسوول را در منطقه دستگیر و به چنگال قانون بسپاریم، از آن رو وضع در غرب کابل بهبود قابل ملاحظه یی یافته است".

آقای سایق می گوید: "به جرأت می توان گفت که طی یکی دو هفته اخیر هیچگونه واقعهء دلخراشی در غرب کابل اتفاق نیفتاده است".

یک تن از باشندگان دشت برچی که خواست نامش را نبرم گفت: "با وصف همه این تبلیغات وضع ما ناجور است و ما همچنان مضطرب و پریشان نگران اوضاع خود و خان مان خود هستیم".

ادامه بد امنی در شهر در حالی است که شاهراه های اصلی افغانستان نیز همچنان دستخوش نا بسامانی ها و باجگیری ها و رهزنی ها و قتل و کشتار های متعددی بوده است.

رئیس مبارزه با جرایم جنائی وزارت امور داخله تعداد وقایع جنائی در کشور را پس از سقوط طالبان ۳۷۸۴ واقعه ارائه کرد و گفت که از جمله ۳۱۹۵ واقعه که در آن ۵۶۳۲ نفرمتهمند کشف گردیده و متباقی تحت کشف قرار دارند.

با وصف این که آقای سایق معتقد است که میزان جرایم جنائی گراف نزولی اش را می پیماید ولی حقایق و ارقام ارائه شده توسط او عکس قضیه را نشان می دهد.

توجه کنید به میزان وقایع اتفاق افتاده در سه دههء جداگانه ماه جدی:

دهه اول: ۲۷ واقعه
دهه دوم: ۴۳ واقعه
دهه سوم:۳۵ واقعه

از جمله این وقایع ما به گونه نمونه وقایع قتل و سرقت را از اواخر دهه دوم ماه قوس الی اخیر دههء سوم ماه جدی بررسی می کنیم می یا بیم که:

ده روز اخیر قوس:
قتل ۴ واقعه، سرقت ۵ واقعه.
ده روز اول جدی:
قتل ۵ واقعه، سرقت ۸ واقعه.
ده روز دوم جدی:
قتل ۹ واقعه، سرقت ۱۰ واقعه.
ده روز سوم جدی:
قتل۷ واقعه، سرقت۱۰ واقعه.

مقایسه ارقام ارائه شده نشان می دهد که حد اقل در شهر کابل از لحاظ وقوع جرایم سنگین چون قتل و سرقت در مقایسه دهه اخیر ماه قوس افزایش چشم گیری رو نما گردیده است.

وضعیت امنیتی شهر کابل وسایر نقاط افغانستان مسأله قابل توجه و دقت است. هنوز مرحله بازسازی در افغانستان آغاز نیافته است و تا جایی که دیده می شود مسأله امنیت هنوز برای اکثریت کمک دهنده ها در سر خط وظایفی قرار دارد که باید دولت به آن رسیده گی کند؛ زیرا عده یی آغاز بازسازی را به آن منوط و مرتبت می دانند.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره دوازدهم دوشنبه ۷ دلو ۱۳۸۱ - ۲۶ ذوالقعده الحرام ۱۴۲۳ - 27 January 2003

سرمقاله
افغانستان وسیاست درهاي باز وبسته
ص۲

هیواد وال سرغرونه او ورانکاري نه غواړي
۲مخ

اهمیت حج در اجتماع اسلامی
ص٦

استاد در چهل وششمین جشنواره فارغ التحصیلان فاکولته شرعیات پوهنتون کابل:

نسل مومن ومعتقد دانشگاهی در تحولات سیاسی معاصر افغانستان نقشی عمده داشتند



- **دین به انارشیسم وبی قانونی وفساد اخلاقی وسیاسی و اجتماعی اجازه نمی دهد** ص۳

منع برنامه های کیبلی

در گزارش رادیوی آزادی

نمایش برنامه های تلویزیون های خارجی موسوم به کیبلی با صدور حکم رسمی مقام ستره محکمه منع قرار داده شد.

این موضوع اسباب نشر مقالاتی در برخی رسانه ها و گاه سبب انتشار گزارش های تند وشدید در شماری از رادیوهای خارجی گردیده است. رادیو آزادی در برنامه شامگاهی ۶ دلو خود با اظهارات رئیس ستره محکمه مولانا فضل هادی شینواری مبنی بر منع این برنامه های تلویزیونی با لحن شدیدی به مقابله پرداخت و گزارش جانب دارانه یی نشر کرد. برخلاف آنچه این رادیو ادعا می کند در نشر گزارش ها و رویدادها، بی طرفی خود را حفظ نکرده است و باکار برد مفاهیمی چون

ص ۸

به پاسخ نشریه اراده:

مردم هرات و اسمعیل خان قابل تمجیدند نه سزاوار تحقیر واهانت

چرا برخی رسانه های خارجی و بعضی رسانه های داخلی دست به دست هم داده، پیوسته تلاش دارند از هرات سیمای دگر ی ترسیم کنند و با استفاده از هر فرصتی اسمعیل خان را مورد ملامت قرار دهند که چراچنین کرد و چرا چنان فرمود؟

قبل از آنکه به اصل بحث وارد شویم به این حقیقت روشن یکبار دگر اشاره می کنیم که ولایت هرات یکی از امن ترین ولایات افغانستان است و اسمعیل خان به عنوان مسوول ووالی این ولایت، یکی از چهره های درخشان جهاد و محبوب مردم افغانستان بوده واین محبوبیت را در قلوب مردم افغانستان با وجود هر گونه دسیسه وتوطیه یی تا هنوز حفظ کرده است.

حقیقت دارد که در ولایت هرات سیمای یک اداره یی تا حدود زیاد موفق نزد هر بیننده منصف وواقع بین ثابت وروشن است با وجود آنکه هرات و مردم مجاهد و مقاوم آن دیار کم یا بیش با موانع ومشکلات متعدد دست وگریبان اند. اما اصل سخن: مطلب منتشره تحت عنوان مجبوریت است یا حاتم بخشی در نشریه شماره یازدهم اراده از بسیاری جهات قابل دقت و مستوجب ملامت است.

نگارنده یکبار دگر خود را ملزم به تکرار سخنان بی بنیادی دانسته که گاه و نا گاه توسط بعضی رادیو های خارجی به ضد اسمعیل خان براه انداخته می شود: ص۷





آخرین تحولات سیاسی عراق

سناریوی امریکا در عراق چه انجامی خواهد داشت؟

بحران عراق وارد مرحله حساس گردیده است. عراق اعلام نمود در صورت وقوع حمله امریکا بر عراق ، منابع گاز آنکشور را به آتش خواهد کشید.

روز شنبه ۵ دلو منزل بازرسان سازمان ملل و همچنان موتر یکی دیگر از باز رسان های سازمان ملل مورد حمله افرادی قرار گر فت. حمله کنندگان درین حادثه دستگیر وبه مقامات دولتی سپرده شدند.

تحول اوضاع سیاسی عراق و احتمال حمله آمریکا بر این کشور از جهات و دید گاه های مختلف مورد تحلیل و ارزیابی شخصیت های سیاسی و تحلیل گران قرار گر فته است.

کولن پاول وزیر خارجه امریکا روز ۵ دلو برای انجام ماموریتی دیپلوماتیک مهم در مورد عراق وارد اروپا شد.

این در حالیست که منتقدان امریکایی و اروپایی حمله بر عراق فشار بیشتری در این زمینه وارد اورده اند. دوشنبه آینده برای بحران عراق سرنوشت ساز خواهد بود.

ص ۳

از فرنگ برگشتگان و مشکلات جامعه افغانستان

صفحه دوم

اولین محموله گاز وارد کشور گردید

اولین محموله گاز قرار داد شده توسط تجار افغانستان با دولت ترکمنستان از طریق بندر تورغندی وارد ولایت هرات گردید.

محترم غلام قادر اکبر رئیس اطاق های تجارت وصنایع ولایت هرات در باره مقدار و جزئیات این قرار داد گفت: دولت ترکمنستان در فی تن گاز فروخته شده مبلغ بیست و چهار دالر امریکایی تخفیف قایل شده است. وی افزود: این گاز می تواند مصرف یک ساله تمام افغانستان را تأمین نماید و هم چنان بالای قیمت گاز که به طور سرسام آوری بلند رفته است تأثیر به سزای داشته باشد.

ص٦